

## دارالاسلام و دارالکفر، احکام و وظایف

شیخ المجاهد: ابوحمزه المهاجر هورامی حفظه الله<sup>۱</sup>

بسم الله الرحمن الرحيم

"إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ، وَنَسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا، وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ" به راستی حمد و سپاس تنها لایق خدا است، او را شکر می‌گوییم و از او درخواست کمک و آمرزش می‌کنیم، و پناه می‌بریم به خدا از شرور نفسهایمان و از بدی‌های اعمالمان، هر کس که خدا او را هدایت کند هیچ کس نمی‌تواند او را گمراه کند و هر کس که خداوند او را گمراه نماید هیچ کس نمی‌تواند او را هدایت دهد و شهادت می‌دهم که هیچ اله بر حقی به جز الله نیست که تنها و بی‌شریک است، و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده او است.»

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَرَبُّكُمْ إِلَهُكُمْ فَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِيكُمْ وَيُمِيتُكُمْ وَلَهُ يُجْزَىٰ وَالِدُكُم مِّنْ وَالِدِكُمْ وَلَهُ أَسْرَابُ مِمَّا تَحْتَسِبُونَ وَلَا تَتَّبِعُوا هَادٍ إِذْ يَدْعُكُمْ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ إِلَاهُهُمْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ بِهِ حَقٌّ وَلَا يَسْعَدُهُمْ وَلَا يَنْصُرُهُمْ وَلَا يَكْفِيهِمْ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳۳/ لقمان) ای مردمان! از خدا بپرهیزید، و از روزی بترسید که نه پدری مسؤولیت اعمال فرزندش را می‌پذیرد و کاری برای او برآورده می‌کند، و نه فرزندی اصلاً مسؤولیت اعمال پدرش را می‌پذیرد و کاری برای او برآورده می‌سازد. وعده خدا حق است. پس زندگانی دنیا شما را گول نزند و فریبکار شما را درباره خدا نفریبد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَانْتظِرُوا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸/ حشر) ای مؤمنان! از خدا بپرهیزید و هر کسی باید بنگرد که چه چیزی را برای فردا (ی قیامت خود) پیشاپیش فرستاده است. از خدا بپرهیزید، خدا آگاه از هر آن چیزی است که می‌کنید.

"أما بعد : إِنَّ أصدقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ وَ خَيْرَ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ" راست ترین سخن کتاب خدا و بهترین روش، روش محمد صلی الله علیه و سلم است، و بدترین امور نوآوری در دین است، و هر تازه پیدا شده‌ای در دین، بدعت؛ و هر بدعتی گمراهی، و هر گمراهی در آتش است.

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

<sup>۱</sup> پیاده شده از سخنرانی تصویری شیخ المجاهد: ابوحمزه المهاجر هورامی حفظه الله

در این چند روز گذشته ای که در شهر ها و روستای مختلف با برادران و خواهران محترم ملاقات داشتم یکی از سوالات اساسی آنها این بود که : ۱- آیا تقسیم زمین به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر از سوی الله تعالی و رسولش صورت گرفته یا اجتهاد مجتهدین و امامان مذاهب اسلامی است؟ ۲- معیار دارالاسلام و دارالکفر چیست؟ ۳- چند نوع دارالاسلام و چند نوع دارالکفر داریم؟ ۴- رای مذاهب اسلامی در مورد این دو سرزمین چیست؟ ۵- حکم ساکنان هر یک از سرزمینها چیست؟ ۶- وظایف ما نسبت به دارالاسلام چیست؟ ۷- آیا جمهوری اسلامی ایران دارالاسلام است؟ ۸- آیا دارالاسلام تبدیل به دارالکفر می شود؟

قبل از ورود به بحث لازم است خدمت شما عزیزان عرض کنم که جنگ روانی شیطان و «کفار گانه» ی آشکار [یعنی: ۱- الَّذِينَ هَادُوا ۲- وَالصَّابِئِينَ ۳- وَالنَّصَارَى ۴- وَالْمَجُوسَ ۵- وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا (مشرکین یا به زبان امروزی سکولاریستها) و ۶- مرتدین] به همراه کفار پنهان داخلی یعنی منافقین و دارودسته ای که از مسلمین فریب خورده و آلوده شده دور خودشان جمع کرده اند تا روز قیامت تمامی ندارد و قرار نیست ما روزی از روزها خودمان را آسوده خاطر از جنگ روانی این دشمنان بدانیم و بدون شک شیطان و سربازانش و سایر شیاطین صفتان در این جنگ روانی به این کفار آشکار و پنهان آن دسته از مسلمین فریب خورده که اختیارشان را در دست گرفته و دوستان شیاطین شده اند مطالب وسوسه‌انگیزی به طور مخفیانه القاء می‌کنند تا این که با شما منازعه و مجادله کنند : **إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ** **إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ** (انعام/۱۲۱)

یکی از خدعه و مکرهای امروزی این دشمنان آشکار و بخصوص دارودسته ی منافقین که ظاهری اسلامی دارند این است که اگر قاعده و اصلی به ضرر شان باشد می گویند: فلان اصطلاح یا قاعده را انسانها تولید کرده اند و انسانها معصوم نیستند و قابل خطا هستند و سخنانی از این دست تولید می کنند به امید اینکه با مخلوط کردن سخنان حق با شبهات باطل خودشان حق را بیوشانند در حالی که الله تعالی امر می کند : **وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ** (بقره/۴۲) و حق را با باطل نیامیزید، و حق را پنهان نکنید، و حال آن که می‌دانید .

این گروه با قاطی کردن سخنان به ظاهر صحیح با دروغها و شبهات خودشان حق را پنهان می کنند به امید اینکه نزد مسلمین بی خبر از منهج و فقه اسلامی از ارزش این اصل و قاعده ای که به ضرر شان است کم کنند و یا در کل صحت این قاعده و اصل شرعی را زیر سوال ببرند، در حالی که همین منحرفین برای خودشان صدها اصطلاح غیر شرعی و بدعی جهت گمراه کردن مسلمین تولید کرده اند.

باید بدانیم که: «علم اصول فقه» بعد از انهدام حکومت اسلامی بر منہاج نبوت و از بین رفتن شورای اولی الامر به عنوان مرکزیت فقهی و اجتهادی مسلمین، به عنوان راهنمایی جهت اجتهاد در مسائل اجتهاد پذیر و علم به قواعدی برای استنباط احکام فقهی پایه ریزی شد تا به عنوان ابزاری جهت جلوگیری از سرگردانی بیشتر و ممانعت از تفرق بیشتر عمل کند.

«ادله الفقه» با بیان چارچوبی اساسی و شرعی، جهت هدفمند کردن و به نتیجه رساندن تمام بحث‌ها و گفتگوها و تحقیقات اسلامی - اگر در داخل شورای اولی الامر فقها مورد استفاده قرار بگیرد و این شورا هم از پشتوانه‌ی قدرت حکومتی و نظامی دارالاسلام برخوردار باشد - راه را بر هر گونه کجروی و سوء استفاده‌ای می بندد، و مجتهد یا هر کسی که می خواهد از احکام شرعی استنتاج و دیدگاه خودش را بیان کند به این اصول و ادله مراجعه می کند.

این ادله و دلایل شرعی به دو دسته‌ی مهم ۱- **متفق علیه** ۲- و **مختلف فیه** تقسیم می شوند. **متفق علیه** ها که تمام فرقه های معروف به اهل اهل سنت بر آن اتفاق دارند: (۱- قرآن ۲- سنت ۳- اجماع ۴- قیاس - تشیع به جای قیاس عقل را دلیل می دانند) ۲- و **مختلف فیه** هم: (۵- استحسان ۶- استصحاب ۷- عرف و عادت ۸- شرع من قبلنا ۹- مصالح مرسله ۱۰- سد الزرایع ۱۱- تتبع الاستقراء ۱۲- قول صحابی و...

بدون شک سرچشمه و ریشه های تمام این اصول و ادله و این اصطلاحات به قانون شریعت الله بر می گردد. یا در کنار این اصول ما شاهد قواعدی در فقه و اصطلاحات دیگری هستیم مثل:

قاعده ی: « **الیقین لا یزول بالشک** » : یعنی با شک کردن چیزی ثابت نمیشود و به آن شک اعتباری نیست

- الله تعالی فرموده عالم پس از مرگ و بهشت و جهنم این است یا فرموده قانون شریعتش این است و باید در جامعه پیاده شود دیگر شک و گمانهای جاهلها و بخصوص سکولاریستها - یا به ز بان عربی مشرکین - ارزش و اعتباری ندارد.

- مطمئنی و یقین داری که شخص مسلمان است در این صورت با شک و گمان نمی توانی از اسلام خارجش کنی و شک و گمانهای شما هیچ اعتباری ندارد.

حالا ممکن است عده ای از جاهلین به فقه اسلامی و یا دسته هایی از دارودسته ی منافقین یا سکولارزده ها بپرسند که این قاعده و اصطلاح « **الیقین لا یزول بالشک** » از کجا آمده؟ اینکه نه در قرآن وجود دارد نه در سنت صحیح. یا بگویند این از تولیدات و برداشتهای مجتهدین است و بخواهند به این شکل از اعتبار آن کم کنند. اما همچنانکه عرض کردم تمام این قواعد و اصطلاحات ریشه در قرآن و سنت دارد.

الله تعالی می فرماید: **وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا** (یونس / ۳۶) بیشتر سکولاریستها[یا به زبان عربی مشرکین] (در معتقدات خود) جز از شک و گمان پیروی نمی‌کنند. شک و گمان هم اصلاً انسان را از حق و حقیقت بی‌نیاز نمی‌سازد (و شک جای یقین را پر نمی‌کند و به درد نمی‌خورد).

رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز می فرماید: **إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمْ يَدْرْ كَمْ صَلَّى، ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا، فَلْيَطْرَحِ الشَّكَّ وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ**<sup>۲</sup> «هرگاه یکی از شما در نماز برایش شک حاصل شد و نمی‌دانست که چهار رکعت خوانده است یا سه رکعت، شک را رها کند و به آنچه که یقین است عمل کند (سه رکعت یقینی است و چهار رکعت مورد شک است پس بنا را بر سه رکعت می‌گذارد و رکعت چهارم را می‌خواند) سپس بیش از سلام دادن دو سجده سهو می‌برد.

پس واضح است که ریشه‌های این قاعده‌ی فقهی «**الیقین لا یزول بالشک**» هم در آیات قرآن وجود دارد و هم در سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم.

یا مثل قاعده: **الأمر بمقاصدها**، که به بخشی از عبادتها یعنی عبادت‌های درونی و قلبی می‌پردازند. یعنی با اختلاف نیت احکام شرعی هم تغییر می‌کنند.

مثلاً به یکی می‌گوئی این پول را بگیر. اگر به عنوان بخشیدن باشد حکم هدیه را می‌گیرد، اگر به نیت قرض باشد باید آن را برگرداند، اگر به عنوان امانت در اختیار شخص قرار گیرد باید از این پول محافظت کند و آن را برگرداند. پس با اختلاف نیت احکام هم تغییر می‌کنند.

الله تعالی می فرماید: **لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّعْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ** (بقره / ۲۲۵) خداوند شما را به خاطر سوگندهائی که بدون توجه یاد می‌کنید (و از روی عادت، نه از روی قصد و نیت از دهان می‌پرد) مؤاخذه نخواهد کرد ولیکن شما را در برابر آنچه دل‌هایتان کسب کرده است (و از روی عمد و اراده و اختیار بوده است) مؤاخذه می‌کند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز می فرماید: **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى**<sup>۳</sup> اعمال به نیت‌ها بستگی دارند و با هر کس، مطابق نیتش رفتار می‌شود. امام شافعی و امام احمد بن حنبل گفته‌اند این

<sup>۲</sup>مسلم ۵۷۱ (۸۴/۲) سنن الترمذی ۱۹۳/۲ أبو داود (۱۰۲۴)، والنسائی (۱۲۳۸) واللفظ له، وابن ماجه (۱۲۱۰)

<sup>۳</sup>متفق علیه. بخاری ۱

حدیث یک سوم اسلام است<sup>۴</sup> توجیه امام شافعی رحمه الله این است که دین دارای سه بخش است: اعتقاد، اعمال و اخلاص، لذا یک سوم کل دین را این حدیث شامل است<sup>۵</sup>

پس این اصطلاحاتی که در میان فقهای مذاهب مختلف اسلامی به صورت متواتر به کار رفته اند تماماً ریشه در قرآن و سنت صحیح دارند.

حالا اصطلاح دیگری که توسط فقهای تمام مذاهب اسلامی به صورت مشترک به کار رفته، تقسیم جهان به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر است که به سیاست بین المللی مسلمین ربط دارد.

یعنی همچنانکه الله تعالی خودش انسانها را به مسلمان و کفار تقسیم کرده و کفار را به «۶ دسته ی آشکار» و «یک دسته پنهان» تقسیم کرده و برای هر کدام قوانینی وضع کرده، به همین ترتیب الله تعالی خودش با جدا کردن سرزمینهای مسلمین از سرزمینهای کفار، برای سرزمینهای که تحت حاکمیت مسلمین و یا تحت حاکمیت کفار هستند نیز اسمهای جداگانه و قوانین جداگانه ای وضع کرده است، و مومنین نیز با گرفتن همین اسمی که الله تعالی در قرآن یا از زبان رسولش صلی الله علیه وسلم بیان کرده انسانها و سرزمینها را اسم گذاری کرده اند.

متوجه شدید چه شد؟ یعنی نامگذاری و تقسیم انسانها به «الَّذِينَ آمَنُوا» و [۱- الَّذِينَ هَادُوا ۲- وَالصَّابِغِينَ ۳- وَالنَّصَارَى ۴- وَالْمَجُوسَ ۵- وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا (مشرکین یا به زبان امروزی سکولاریستها) و ۶- مرتدین «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» و همچنین تقسیم و نامگذاری زمین به دو بخش سرزمینهای تحت حاکمیت اسلام یا دارالاسلام یا سرزمینهای تحت حاکمیت کفر یا دارالکفر مثل اصول و قواعد فقهی نیستند که مجتهدین و فقهای مذاهب اسلامی با اجتهاد و فهم از آیات و احادیث این اصطلاحهای دارالاسلام و دارالکفر را درست کرده باشند، بلکه خود الله تعالی در کتابش یا از زبان رسولش صلی الله علیه وسلم این سرزمینها را تقسیم کرده و صحابه و تمام مذاهب هم بر همین اساس به جدا کردن سرزمینهای تحت حاکمیت اسلام و سرزمینهای تحت حاکمیت کفر پرداخته اند.

الله تعالی می فرماید: **وَكُنْتُمْ لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخَذَهَا بِقُوَّةٍ وَأَمَرَ قَوْمَكُمُ يَا خُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ** (اعراف/۱۴۵) و برای او در الواح (تورات) از هر چیز نوشتیم، تا پند و اندرز و روشنگر همه چیز باشد. الواح را با قدرت و محکم برگیر و به قوم خود فرمان

<sup>۴</sup> طرح التثريب في شرح التقریب (۱/ ۶ ح ۱) شرح الأربعين النووية لابن دقيق العيد (۲).  
<sup>۵</sup> کتاب الاذکار امام نووی، ص: ۴

بده نیکوترین آنها را به کار بندند. (مثلاً عفو را بر قصاص و آنچه را که دارای اجر بیشتر است بر چیزی ترجیح دهند که از ثواب کمتری برخوردار است). به زودی سرزمین فاسقین (کفاری چون: عاد و ثمود و قوم لوط) را به شما نشان می‌دهیم.

در اینجا الله تعالی سرزمین کفار را تحت عنوان «**دَارَ الْفَاسِقِينَ**» یا سرزمین فاسقها نام می‌برد.

- یا الله تعالی می‌فرماید، صالح به قوم سکولار خود گفت: **فَقَالَ نَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ** (هود/۶۵) صالح بدیشان گفت: در سرزمین و محل خود سه روز زندگی کنید.

در اینجا نیز باز الله تعالی از محل سکونت کفار مشرک و سکولار قوم صالح تحت عنوان «دَار» اسم می‌برد.

- الله تعالی از زبان قوم سکولار شعیب می‌فرماید: **قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ** (اعراف/۸۸) اشراف و سران متکبر قوم شعیب گفتند: ای شعیب! حتماً تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند از شهر و آبادی خود بیرون می‌کنیم مگر این که به قوانین و برنامه‌های ملت ما برگردید. شعیب گفت: آیا ما به قوانین و برنامه‌های آئین شما در می‌آئیم در حالی که دوست نمی‌داریم و نمی‌پسندیم؟!

این دقیقاً همان کاری است که سکولاریست‌های کنونی (یا به زبان عربی مشرکین کنونی) از مومنین می‌خواهند. یا باید تابع قوانین سکولاریستی ما شوید یا باید کشور و سرزمین ما را ترک کنید. مگر غیر از این است؟

در هر صورت در اینجا نیز الله تعالی از سرزمین و محل و شهر کفار نام می‌برد.

الله تعالی در جای دیگری می‌فرماید: **وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَنَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا** **فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ** (ابراهیم/۱۳) کافران به پیغمبران خود گفتند: یا به قوانین و برنامه‌های آئین ما باز می‌گردید یا این که شما را از سرزمین خود بیرون می‌کنیم. پس پروردگارش به آنان وحی فرستاد که حتماً ستمکاران را نابود می‌کنیم.

در اینجا نیز باز الله تعالی از «**أَرْضِ**» و سرزمین کفار نام می‌برد که بر اساس قوانین و دین کفار اداره می‌شود و حاکمیت در اختیار کفار است و این کل صفات سرزمین کفار و دار الکفر است.

الله تعالی در مورد انصار موجود در مدینه نیز می فرماید : **وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ** (حشر/۹) آنانی که پیش از آمدن مهاجران محل و کاشانه (دین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده اند. این کثیر می گوید: یعنی انصار قبل از مهاجرین در «دار الهجرة» سکونت داشتند و انصار قبل از بسیاری از این مهاجرین ایمان آوردند.

در اینجا نیز الله تعالی از سرزمین انصاری که ایمان آورده بودن تحت عنوان «الدَّارَ» نام می برد. پس الله تعالی هم به سرزمین و «دَار» کفار اشاره می کند هم به سرزمین و «دَار» ایمان و مهاجرین. به دنبال این، آیات صریحی هم وجود دارند که به واجب بودن هجرت از سرزمین کفار به سرزمین مومنین و مهاجرین اشاره دارند. به عنوان مثال الله تعالی می فرماید:

- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ** (ممتحنه/۱۰) ای مؤمنان! هنگامی که زنان مؤمن به سوی شما مهاجرت کردند، ایشان را بیازمائید - خداوند از ایمان آنان آگاهتر است (تا شما) - هرگاه ایشان را مؤمن یافتید، آنان را به سوی کافران برنگردانید.

- الله تعالی می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجْهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَٰلِيَّتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۗ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ** (انفال/۷۲)

بیگمان کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و با جان و مال خود در راه خدا جهاد نموده اند، و کسانی که پناه داده اند و یاری نموده اند برخی از آنان اولیاء و سرپرست برخی دیگرند و اما کسانی که ایمان آورده اند ولیکن مهاجرت ننموده اند و لایق و سرپرستی در برابر آنان ندارید تا آن گاه که مهاجرت می کنند. اگر (چنین مؤمنان غیرمهاجری از دست ظلم و جور دیگران) به سبب دینشان از شما کمک و یاری خواستند، کمک و یاری بر شما واجب است، مگر زمانی که مخالفان آنان گروهی باشند که میان شما و ایشان پیمان باشد. خداوند می بیند آنچه را که می کنید (پس مواظب حال همدیگر و حفظ حدود و عهدهایی که بسته اید باشید).

باید بدانیم که در قرآن و سنت صحیح و تمام آثار به جا مانده از صحابه و ائمه ی مسلمین بعد از تشکیل دارالاسلام مدینه، هر گاه اسمی از هجرت برده می شود یعنی: انتقال از دار و سرزمین کفار به دار و سرزمین مومنین و مهاجرین.

تا اینجا برای ما روشن شد که جدا کردن سرزمین تحت حاکمیت اسلام و مومنین از سرزمین تحت حاکمیت کفر و کافرین از سوی الله تعالی صورت گرفته و آیات قرآن به صراحت از دو نوع سرزمین اسم می برند.

بعد از استراحتی کوتاه از سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم و آراء صحابه ی رسول الله صلی الله علیه وسلم دلایلی بر جدا بودن این دو سرزمین و اسم گذاری آن توسط رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحاب بیان می شود به امید اینکه بر یقین مومنین اضافه بشود و پاسخی باشد بر شبهات کفار سکولار جهانی و مرتدین سکولار محلی و بخصوص شبهات دارودسته ی منافقین که با ظاهری اسلامی به جنگ اسلام و قانون شریعت الله و دارالاسلامهای ما آمده اند.

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته